

می‌داند؛ از طرف دیگر همواره شعار خودمختاری تبت را مطرح کرده و بر این آرمان پای فشرده است و همچنان شأن نظامی خود را به عنوان رهبر جدایی طلبان تبت حفظ کرده است. اعدام صدام در نظر او کاری ناشایست شمرده شد، اما کشته شدن هزاران نفر از هم‌کیشان او در تبت در ناآرامیهای تبت وی را نرنجانده است.

نتیجه

هم‌اکنون دنیای غرب پس از سالها مبارزه با حاکمیت دینی، در عصر برگشت به سوی ایمان، پرچم ترویج شبه معنویتهای موردنظر خود را برافراشته و به تشویق جوانان، جهت گرایش به عرفانهای کاذب و وارداتی می‌پردازد که عرفان و آئین دالایی لاما یکی از آنها است. عرفانی که در آن متعلقات فرهنگی نظام چند صدساله سرمایه‌داری یعنی سعی در کسب لذت و خوشی بیش‌تر در جامه‌ای جدید به مصرف‌کنندگان القاء می‌گردد.



دالایی لاما عارف سیا

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب
www.adyannet.com

دالایی لاما، عارف سیا

امروزه در کشور ما جریانی بودائی از نوع لامائیسیم به عنوان یک عرفان جدید تبلیغ می‌شود. این جریان - که بیش‌تر با نام رهبر آن یعنی «دالایی لاما»^(۱) شناخته می‌شود؛ - خود را دارای آموزه‌های به‌ظاهر بشردوستانه، صلح طلبانه^(۲) و کارآمد برای حل بحرانهای اخلاقی و معنوی جهان حاضر، معرفی می‌کند. غرب نیز با بزرگ‌نمایی این جریان و با اعطای جوایز متعدد به این شخص مانند: مدرک افتخاری دکتری، جایزه «صلح نوبل»^(۳) و... سعی در کمک به نفوذ آن دارد.

برای تبیین معنویت و میزان کارآمدی مکتب دالایی لاما به برخی از اصول و اندیشه‌های وی اشاره می‌کنیم:

۱. پلورالیسم دینی

از تعالیم دالایی لاما برمی‌آید که او در زمینه معنویت و دینداری، قائل به تنوع، تکثر و به اصطلاح پلورالیسم است. وی انتخاب یک دین را مانند انتخاب یک غذا دانسته و

1. Dalai Lama.

۲. ادعای صلح‌طلبی دالایی لاما به گونه‌ای افراط‌گرایانه است که وی با اعدام صدام که فردی جانی و متجاوز بوده و در طول دو دهه جان صدها تن را گرفت مخالفت کرد.

۳. البته اعطای جایزه صلح نوبل به وی در این عصر با وجود افرادی همچون: انور سادات، جیمی کارتر، محمد البرادعی، میخائیل گورباچف و یا سردمداران رژیم اسرائیل همچون: شیمون پرز و اسحاق رابین در بین برندگان صلح نوبل از این جهت بود که وی در برابر چین مواضع سیاسی غیرهمسو دارد و غربیها می‌توانند به عنوان حربه‌ای علیه چین از او استفاده کنند.

رسیدن به حقیقت را منحصر به هیچ دینی نکرده و تمامی راه‌های قرارگرفته در پیش روی انسان را مسیر درست و مناسب می‌داند و می‌گوید: «**پنج میلیارد انسان روی کره زمین زندگی می‌کنند و من معتقدم به پنج میلیارد دین نیاز داریم.**»^(۴)

در حالی که باید گفت که دین حق در هر زمانی، یکی بیش نیست؛ زیرا آموزه‌های ادیان موجود گاهی متناقض و متعارض‌اند و معلوم است که نمی‌شود دو کار متناقض انسان را به یک نتیجه - که سعادت دنیا و آخرت باشد - برساند. قرآن مجید هم پلورالیسم را مردود دانسته و می‌فرماید: «**هر کس غیر از اسلام دینی را بجوید، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود.**»^(۵)

۲. هدف زندگی

انسان بالفطره موجودی کمال طلب بوده که در مسیر رسیدن به کمال؛ دارای اهدافی مقدماتی و نهایی در فرایند زندگی خود می‌باشد. اسلام، کمال و هدف نهایی و آخرین پله نردبان ترقی انسان را، قرب به خدا معرفی می‌کند که همه کمالات جسمی و روحی، مقدمه رسیدن به آن بوده و بالاترین، ناب‌ترین، گسترده‌ترین و پایدارترین لذت، از وصول به مقام قرب حاصل می‌شود.

دالایی لاما در اظهارنظرهای دور از فطرت و عقلانیت در جواب به پرسش‌هایی از قبیل به کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم و کمال نهایی چیست؟ رسیدن به شادی را بالاترین هدف

۴. هنر شادمانگی، دالایی لاما، حمید رفیعی ص ۲۹۴.
۵. ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ آل عمران/۸۵



دانسته و می گوید: «به اعتقاد من مهم ترین هدف زندگی ما رسیدن به شادی است.»^(۶)

وی سعی می کند شعار فریبنده شادی را تکرار و در سخنرانیها و نوشته های خود بر آن پای فشارد. توجه دالایی لاما به شادی به صورتی است که یک کتاب مستقل در مورد دیدگاه های او در باب شادی به نگارش درآمده است.

دالایی لاما در کتابهای خود مقصود از شادمانی را، شادمانی دنیوی و حسی معرفی کرده و هر چیزی که به نوعی شادی ایجاد کند از استعمال مواد مخدر گرفته تا سرقت و هم جنس بازی را مجاز می شمارد.^(۷)

وقتی از وی می پرسند بزرگ ترین آرزویت چیست؟ در پاسخ می گوید: «خوراکی خوب و خوابی خوش».^(۸) از این جمله هدف و کمال دالایی لاما مشخص می شود.

۳. تناسخ

به عقیده معتقدین به تناسخ، آنگاه که انسان می میرد؛ روح او به این جهان بر می گردد و در این بازگشت، برای خود بدنی لازم دارد که با آن به زندگی مادی ادامه دهد و این بدن جدید، گاهی نبات است و گاهی حیوان است و گاه انسان. عقیده به انتقال روح از یک فرد به بدن دیگر، نقش مؤثری برای استعمارگران ایفا می کند، چرا که اقوام محروم و

۶ هنر شاد زیستن، دالایی لاما، انوشیروانی، ص ۲۱.

۷ وی می گوید: هم اکنون در دوران مدرن، تمام این نوع رفتارها (هم جنس بازی) رواج دارند، رفتارهای جنسی که به دیگران آسیب نمی رسانند باید مورد پذیرش قرار گیرند و جامعه باید از یک دیدگاه سکولار به زنان و مردان هم جنس باز نگرسته، به آنها احترام گذارده و ایشان را در خود بپذیرد.

(www.religioustolerance.org)

8. akhlagh.porsemani.ir.

استثمار شده را به استقبال از انواع ناملايمات و محروميتها به عنوان یک وسیله تکامل، دعوت و آنها را به پذیرش زندگی ملالت بار، تشویق می کند. به عنوان نمونه نظام طبقاتی کاست در هند بر اساس عقیده به تناسخ، به راحتی اجرا می شد و بر اساس آن هیچ کس به خودش اجازه نمی داد تلاش کند تا از طبقه ای پایین به طبقه بالاتر اجتماعی برود؛ زیرا می گفتند اگر چنین کند، بار دیگر که به دنیا می آید در بدن یک انسان گرفتارتر و یا در پیکر یک حیوان به دنیا خواهد آمد. عقیده به تناسخ، زهر کشنده ای است که انزوای طلبی و ناامیدی از تغییر وضعیت موجود را قطره قطره در کام ملت ها چکانده تا از این رهگذر، استعمارگران پایه های استعماری خود را در کشورها مستحکم تر کنند.

دالایی لاما قائل به تناسخ بوده و می گوید:

«اگر آدم به تناسخ معتقد باشد، فکر می کنم راهی برای کاهش درد و رنج هست.»^(۹)

۴. رنج

یکی از آموزه های مهم در عرفانهای نوپدید، مسئله رنج در زندگانی و راههای برون رفت از این مسئله می باشد. در این میان، آیین بودا این مسئله را پررنگ تر از دیگر آیین ها مطرح کرده است. دالایی لاما نیز که به رهبر بودائیان جهان شهرت یافته، با پیروی از اصل رنج در بودیسم، با نگاهی مایوسانه و بدبینانه به رنج می گوید: «معمولاً به هنگام تولد هر فردی می گویند تولدت مبارک؛ در حالی که روز تولد شما در حقیقت روز تولد درد و رنج بوده است؛ اما هیچ کس

۹. هنر شادمانگی، دالایی لاما، ترجمه حمید رفیعی، ص ۱۴۲.

نمی گوید روز درد و رنجت مبارک...»^(۱۰)

وی راه حل درمان رنج برای مریدانش را تلاش برای رفع رنج ندانسته بلکه آنها را به پذیرفتن رنج و تحمل آن ترغیب کرده و این چنین عنوان می دارد:

«برای خود من، شخصاً بهترین و مؤثرترین تمرین برای تحمل رنج این است که به یادآورم رنج از ویژگی های بنیادین سمسارا^(۱۱) است؛ [هنگام مواجهه با کار رنج آور] اگر همان لحظه از زاویه دیگری به موضوع نگاه کنید و به یاد آورید که این جسم، خود شالوده رنج شماسست، حس ناراحتی و ناراضیتی شما تقلیل می یابد... بنابراین اگر بپذیرید که رنج بخشی از طبیعت شماسست، تردیدی نیست که در برابر دشواریهای زندگی تحمل بیش تری خواهید داشت.»^(۱۲)

یعنی فقرا و مستمندان به امید آنکه روزی در بدن ثروتمندان، پادشاهان و یا قدرتمندان حلول خواهند کرد و از زندگی مرفهی برخوردار خواهند شد، صبر و تحمل را پیشه کرده و دست به قیام بر ضد جباران نزده و هرگونه استثمار را تحمل بکنند.

با توجه به اینکه در آیین بودا، اعتقاد به مبدأ هستی نبوده^(۱۳) و آنان خلقت رنج را شرّ می پندارند، انتظار آرامش را نیز نداشته و به طور یقین، نگاهشان به زندگی مایوسانه و بدبینانه خواهد شد و هیچ وقت نمی توانند رنج را نابود کنند،

۱۰. هنر شاد زیستن، دالایی لاما، ترجمه انوشیروانی، ص ۱۵۲.

۱۱. سمسارا به معنای تناسخ و تولدهای مکرر در جهان است.

۱۲. هنر شادمانگی، دالایی لاما، ترجمه حمید رفیعی، ص ۱۳۹.

۱۳. بودا می گوید: آغاز سرگردانی موجودات از زمانی بی آغاز است. هیچ مبدئی نمی توان یافت که این موجودات از آن سرچشمه گرفته باشند. (ادیان و مکتب های فلسفی هند، شایگان، ج ۱، ص ۱۴۲).

گر چه بودائیان به کوهستان می روند و ذکرهایی را می گویند که غصه و ناراحتی نداشته باشند ولی اینها برطرف کردن رنج نیست، اینها غفلت از رنج می باشد.

درحالی که اسلام، هدف اصلی از خلقت رنج و شر در این عالم را، جنبه خیریت آن دانسته^(۱۴) و راه برون رفت از اصل رنج را، خدامحوری و مسئله رضایتمندی از قضای الهی می داند.^(۱۵) ضمن اینکه در دین مبین اسلام، اولیای الهی با یاد خداوند به آرامش می رسند؛ گرچه به مصیبت های سخت همچون زندان و امثال آن گرفتار شوند، اما هرگز به اضطرابهای روحی و روانی همچون دنیاگرایان دچار نمی شوند.

تناقض در رفتار و گفتار

شعارهای دالایی لاما با فعالیت های سیاسی - اجتماعی اش سازگاری ندارد. او در هنگام نظریه پردازی ایده های خود را به گونه ای مطرح می کند، اما مشی و مرام عملی اش به گونه ای دیگر است. درحالی که وی بارها از فعالیت های هسته ای چین اعلام ناخرسندی کرده و در مراکز رسمی این خطر را گوشزد کرده ولی چنین خطری را در مورد کشورهای دیگر مطرح نکرده است. وی خود را صلح طلب معرفی می کند، اما نه تنها از سرکشی های متعدد اسرائیل برائت نجسته بلکه اظهار دوستی با رژیم اسرائیل نیز می کند. وی خود را منادی آشتی

۱۴. همانند آفتاب که قصد اولیة خلقت آن، برای پرتوافکنی و نورافشانی بوده که خیر است ولی در مقابل همین آفتاب تابان هم اگر شخص سر برهنه ای به مدت طولانی بایستد سردرد می گیرد که این شر است.

۱۵. راه برون رفت از رنج به وجود آمده از مصیبت و مشکلات در زندگی وابسته به نگاه آدمی به مصائب و مشکلات است. آنگاه که انسان به صورت منفی به مصائب بنگرد، همیشه در رنج است؛ اما اگر مثبت نگاه کند و رضای خدا را در آن بنگرد، به طور کلی از ورطه رنج رها می شود.

